



برنامه درسی ملی گامی به سوی مدرسه زندگی

مدرسه زندگی از شعار تا نظریه

آزمایشگاه، کارگاه و ... است و جمعی از معلمان و دانش آموزان را در خود جای می‌دهد، بلکه باید به مثابه نهادی تربیتی و آموزشی و بستر رشد و شکوفایی همه عناصر انسانی دست اندر کار تلقی شود.

زندگی نیز تنها به زیست طبیعی یا زیست اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه زیست معنوی و جاودانه را نیز شامل می‌گردد که البته بریده از زیست طبیعی و اجتماعی نمی‌باشد و زندگی طبیعی انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به عنوان هدف غایی تعلیم و تربیت، در فرایند تربیت شکل می‌گیرد و زمینه ساز دستیابی به حیات طیبه برای فراگیران و متریبان می‌گردد.

"مدرسه زندگی"، نهادی زنده، پویا و تعالی‌یابنده است که همه عناصر انسانی آن در تعامل خلاق و فعال با یکدیگر، در مسیر حیات طیبه و به سوی رشد فکری، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی در حرکت و مجاهدت می‌باشند.

در این دیدگاه، مدرسه همچون خانواده، یک نهاد است و اساساً مصداق و تبلور عینی نهاد تعلیم و تربیت رسمی شمرده می‌شود. مدرسه، نه خانه دوم دانش آموزان، که خانواده دوم آنان است. همان‌گونه که عنصر اصلی و محوری خانواده و شاخص اصلی کاربرد صحیح و مطلوب آن وابسته به وضعیت فیزیکی یا حقوقی و جغرافیایی "خانه" نیست، شاخص اصلی کارکرد صحیح یک مدرسه هم، وضعیت فیزیکی و فضای کالبدی مدرسه نمی‌باشد، بلکه مجموعه اصول و روابط، فرایندها و هنجارهایی که به گونه‌ای عینی و اثرگذار، همه عوامل انسانی مرتبط با این نهاد را تحت تأثیر تربیتی و آموزشی خود قرار می‌دهد، شاخص اصلی است. مدرسه زندگی، سازمانی تربیتی است که نه تنها دانش آموزان را برای زندگی پاک و متعالی توانمند و آماده می‌سازد، بلکه بستر حیات معقول و مطلوب را برای مربیان و معلمان و نیز اولیای دانش آموزان فراهم می‌سازد.

در مدرسه زندگی، نشاط، تفکر، ایمان، مهرورزی، آزادی، سلامت، نوآوری، اخلاق، آداب، مهارت‌ها، بصیرت سیاسی و اجتماعی، توانمندی، کارآفرینی، همکاری و تعاون، پیشرفت، نظم، هویت ملی، مبارزه با باطل، مجاهدت در راه حق، مشارکت جویی، یادگیرندگی، و ... عناصری است که در عینیت اهداف، برنامه‌ها و روابط فی مابین عوامل انسانی آن تحقیق یافته است.

پیشینه تطبیقی موضوع:

همان‌گونه که اشاره شد، در ایران اصطلاح "مدرسه محوری" از دهه قبل مطرح شده است. ولی در نظام‌های آموزشی جهان بیش از دو دهه از طرح اصطلاح "مدیریت مدرسه محور" می‌گذرد. به نظر می‌رسد اصطلاح "مدرسه محوری" ناشی از انتقال تجارب برخی کشورها در اصلاح نظام آموزشی خود مبتنی بر مدیریت مدرسه محور بوده است. آن چه در این رویکرد، محور اساسی است، واگذاری اختیارات بیش‌تر به مدارس همراه با مسئولیت و پاسخ‌گویی در جهت ارتقای کیفیت آموزشی است. یکی از اساسی‌ترین کاربردهای "م.م.م"، در ایالت ویکتوریا استرالیا رخ داده است. البته این رویکرد به سوی "مدارس آینده" تحول یافت و کانون اصلی اصلاحات آموزشی را متوجه مدارس ساخت. تجربه آموزشی این ایالت به عنوان مستند تطبیقی نظریه "مدرسه ی زندگی"

در تعقیب خط مشی «بازخوانی و بازتعریف مفهوم مدرسه در نظام آموزش و پرورش کشور»، مقاله ذیل که توسط **حجت الاسلام، دکتر علی ذوعلم، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر طرح تولید برنامه درسی ملی**، در همایش علمی برنامه درسی ملی: چشم‌اندازها و راهبردها در محل اردوگاه شهید باهنر در ۳۰ مردادماه ۱۳۸۷ ارائه شده بود، انتخاب و با کسب اجازه از ایشان به منظور نقد و نظر شما منتشر گردید.

"مدرسه زندگی"، در چند سال اخیر به عنوان شعار مدرسه مطلوب و آرمانی، در آموزش و پرورش مطرح شده است. توجه به مدرسه در میان لایه‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت، توجه مبارک و درستی است، چرا که اساساً هنگامی که سخن از نهاد تعلیم و تربیت به میان می‌آید، مدرسه است که بستر اساسی و فضای تأثیرگذار تربیتی بر دانش آموز به شمار می‌آید و سایر عناصر یا لایه‌های تربیتی و آموزشی، به عنوان پشتیبان یا ابزار اجرای این عنصر تلقی می‌شوند. به ویژه اگر تربیت و پرورش رویکرد غالب بر آموزش و پرورش شمرده شود، نقش و اهمیت "مدرسه" بیشتر روشن می‌گردد. در دهه‌های گذشته نیز این "مدرسه" بوده است که از طرفی بیش از هر چیز مورد توجه صاحب نظران و مصلحان عرصه تعلیم و تربیت قرار داشته و عمده تلاش‌ها و تدابیر تربیتی آنان را به خود جلب می‌کرده و از سوی دیگر تفاوت اهداف و الگوهای مدیریتی، تربیتی و آموزشی مدارس، عامل اصلی در تفاوت برون داد و میزان موفقیت و کارآمدی آنان بوده است.

در میان رویکردهای مختلف دانش آموز محوری، معلم محوری، کلاس محوری، موضوع محوری، کتاب محوری و ...، به نظر می‌رسد رویکرد "مدرسه محوری" باید اصلی تلقی شود و بر خلاف وضعیت موجود که مدرسه از جایگاه و شأن چندانی در میان عناصر و لایه‌های تربیتی و آموزشی برخوردار نیست، باید "مدرسه" به محور اصلی برنامه‌ریزی‌ها و عرصه اساسی نفوذ و تحقق اهداف مورد نظر در تعلیم و تربیت تبدیل گردد.

نخستین پیام "مدرسه زندگی"، ارتقای جایگاه و نقش مدرسه در نظام تعلیم و تربیت، با توجه به مدرسه محوری است. پیش از این نیز با طرح شعارهایی از قبیل "مدرسه سبز" یا "مدرسه مطلوب" رویکرد مدرسه محوری مورد توجه قرار گرفته است. ولی "مدرسه زندگی" فراتر از یک شعار، با برخورداری از پشتوانه نظری عمیق و برخاسته از بنیادی‌ترین مفاهیم و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، می‌تواند به یک "نظریه" تبدیل شود و نگاه متولیان تعلیم و تربیت نیز احاد جامعه را نسبت به مدرسه اصلاح‌کنند و ارتقا بخشد.

برای برنامه درسی ملی و سایر خرده نظام‌های آموزش و پرورش، مبانی "نظری" و چشم‌انداز مدرسه زندگی می‌تواند به عنوان یک رویکرد، جهت‌گیری‌های اساسی آموزش و پرورش را تعیین نماید و متناسب با انتظارات و ویژگی‌های آن، عناصر مختلف نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را رقم بزند. در حقیقت "مدرسه" یکی از مخاطبان اصلی برنامه درسی ملی - هر برنامه، طرح اساسی و تحول‌آفرین در آموزش و پرورش - به شمار می‌آید و بنابراین جایگاه و نقش آن در عناصر این برنامه باید لحاظ شده باشد. مدرسه، تنها یک فضای فیزیکی نیست که مکان برگزاری کلاس درس،

بسیار مفید است، ولی باید توجه داشت که مبانی نظری و انگیزه‌های این دو، کاملاً متفاوت است.

ایجاد و گسترش "م.م.م" عمدتاً ناظر به یک رویکرد مدیریتی و برای تمرکز زدایی است، اگر چه ارتقای کیفیت آموزشی از طریق تأمین مشارکت معلمان و خانواده‌ها و مقامات محلی را نیز مد نظر قرار داده است. ولی در نظریه "مدرسه زندگی" مبانی نظری موضوع، فراتر از این حد بوده و کارکرد اصلی مدرسه را به عنوان اصلی‌ترین و کارآمدترین لایه تعلیم و تربیت رسمی، احیا و ارتقای شاخص‌های حیات مطلوب در دانش‌آموزان می‌داند و نه تنها برای اصلاح روش مدیریتی مدارس، که اساساً برای تحول عمیق در نگاهی که به تعلیم و تربیت باید وجود داشته باشد، مطرح می‌گردد. هدف اساسی در "م.م.م"، تمرکز زدایی در برنامه ریزی، فناوری، قدرت، منابع انسانی، پشتیبانی و... است.^۳ که طبعاً استفاده از تجارب موجود می‌تواند در تدوین راهکارها و روش‌های تحقق نظریه "مدرسه زندگی" به کار گرفته شود، ولی نباید "مدرسه زندگی" را در حد گره برداری و اقتباس از "م.م.م" فرو کاست.

مطالعات موردی "م.م.م" و بررسی الگوها و سطوح مختلف تمرکز زدایی در نظام‌های آموزشی مختلف، می‌تواند روش‌ها و راهکارهای متنوعی را متناسب با شرایط محیطی و انسانی برای پیاده کردن نظریه "مدرسه زندگی" پیش روی نظام آموزشی ما قرار دهد، ولی نباید مبانی نظری و چارچوب مفهومی آن را در سطح مبانی و انگیزه‌های "م.م.م" نازل دهد. بنابراین نظریه "مدرسه زندگی" به عنوان دیدگاهی مبتنی بر فلسفه توحیدی و اسلامی حیات و برخاسته از مبانی و اصول هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی، قابل ارائه است، نه صرفاً به عنوان نمونه ای از "م.م.م".

هم چنین نباید نظریه "مدرسه زندگی" را در راستای نظریه "برنامه ریزی درسی مدرسه محور" تلقی کرد؛ زیرا اگرچه در "مدرسه زندگی" نقش و اختیار قابل توجهی برای معلمان، مدیران و حتی دانش‌آموزان و خانواده‌ها در تعیین اهداف جزئی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری پیش بینی می‌شود، ولی هدایت دستگاه تعلیم و تربیت و طراحی کلان برنامه درسی توسط کارشناسان و صاحب‌نظران با اقتدار و نظارت جدی وجود خواهد داشت. به خصوص در عنصر "اهداف کلی"، تصمیم‌گیران محلی و مدیریت مدرسه از اهداف مصوب پیروی خواهند کرد. تشابه مدرسه زندگی در عنصر برنامه ریزی درسی و تربیتی با نظریه "برنامه ریزی درسی مدرسه محور" و استفاده از تجارب این گونه مدارس در برخی کشورهای جهان، نباید موجب نادیده گرفتن تفاوت‌های آشکار در مبانی نظری این دو نظریه گردد، ضمن این که باید بر استفاده از این تجارب در حد اکثر ممکن و با رعایت اقتضائات و شرایط تأکید شود.

زندگی از منظر اسلام:

زندگی و حیات از دیدگاه منابع دینی،

اساسی‌ترین و محوری‌ترین ویژگی موجودات است و دارای درجات و مراتب مختلفی است. حیات مطلق، کامل و مستقل که منزه از هر کاستی و نقصی است و از ازلت و ابدیت ذاتی برخوردار است، تنها از آن خداوند متعال می‌باشد: *الله لا اله الا هو الحی القیوم*^۴. حیات و زندگی سرچشمه همه ویژگی‌های متعالی از قبیل دانش، قدرت و اراده است که هر موجودی متناسب با میزان برخوردار از حیات، از این ویژگی‌ها هم برخوردار می‌باشد، منشا و مبدأ زندگی هر موجودی و در هر مرتبه‌ای، خداوند متعال است که او حیات بخش حقیقی است و حیات همه موجودات به اراده او وابسته است. از دیدگاه قرآن کریم، هر موجودی متناسب با مرتبه وجودی خود از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است، چرا که "وان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم"^۵: هیچ چیزی نیست مگر این که با حمد و سپاس، در حال تسبیح و تنزیه خداوند متعال است ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. اساساً هستی مساوی با زندگی است و همه موجودات از مرتبه‌ای از زندگی هر چند نازل برخوردارند، اگر چه آثار آن برای ما آدمیان با هیچ ابزار تجربی و مادی مشهود و قابل درک و آگاهی ما است، نه مبتنی بر واقعیت هستی، در عین حال مراتب حیات از نازل‌ترین سطح آن که حیات جمادات است تا برترین سطح آن که حیات کامل، ذاتی و مطلق الهی است، مراتبی متکثر و غیرقابل شمارش می‌باشد. در این میان، انسان به عنوان خلیفه الله و برخوردار از فطرت و نفخه الهی و آگاهی و اراده خود و متناسب با تلاش و مجاهدت همه جانبه خویش، ارتقای وجودی و تعالی حیات و زندگی خود را رقم می‌زند و می‌تواند و به حد بالاترین سطح حیات - که زندگی انسان کامل است - دست یابد.

از جمادی مردم و نامی شدم

و از نما مردم به حیوان بر زدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

پس چه ترسم کی زمردم کم شدم

جمله دیگر بمیرم از بشر

تا بر آرم از ملانگ پر و سر

بار دیگر از ملک قربان شوم

آنچه اندر و هم نادید آن شوم^۶

"مدرسه زندگی"، نهادی زنده، پویا و تعالی‌یابنده است که همه عناصر انسانی آن در تعامل خلاق و فعال با یکدیگر، در مسیر حیات طیبه و به سوی رشد فکری، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی در حرکت و مجاهدت می‌باشند.

از نگاه قرآن کریم و با یک طبقه بندی کلان، حیات دارای دو سطح زندگی طبیعی و زندگی متعالی است. انسان در سطح حیات طبیعی و حیوانی با سایر موجودات مشترک است و با تعلیم و تربیت می‌تواند خود را به سطح حیات معقول

و متعالی برکشد. اساساً فلسفه اصلی آموزش و پرورش تعمق حیات و برخوردار از مراتب بالاتر و بالاتر زندگی است: *یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله ولرسله اذا دعاکم لما یحییکم: ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبر پاسخ مثبت دهید، آنگاه که شما را به چیزی فرا می‌خواند که شما را زندگی می‌بخشد. زندگی حقیقی و انسانی، در گرو پذیرفتن دعوت خدا و پیامبر (ص) است که خطوط اصلی مسیر متعالی را ترسیم می‌کنند و «تعلیم و تربیت، زندگی بخشیدن به یک انسان است»^۷ دست یابی به زندگی پاک که در عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی می‌تواند ظهور یابد، ناشی از ایمان و عمل صالح است که دو عنصر اساسی از اهداف متعالی تربیتی است: و من عمل صالحاً من ذکر او اثنی و هو مؤمن فلنحییته حیوة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون^۸: و هر کسی از مرد و زن که کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً ما او را به حیات پاک، زندگی می‌بخشیم و پاداش آنان را به بهترین کارهایی که انجام داده اند، عطا می‌کنیم. بنابراین زندگی نتیجه و حاصل تربیت صحیح و الهی است که تنها ناظر به زندگی طبیعی و اجتماعی نمی‌باشد، اگر چه قطعاً دستیابی به حیات جاودانه و معنوی، بدون تلاش و کوشش در عرصه عالم طبیعت، تحقق نمی‌یابد.*

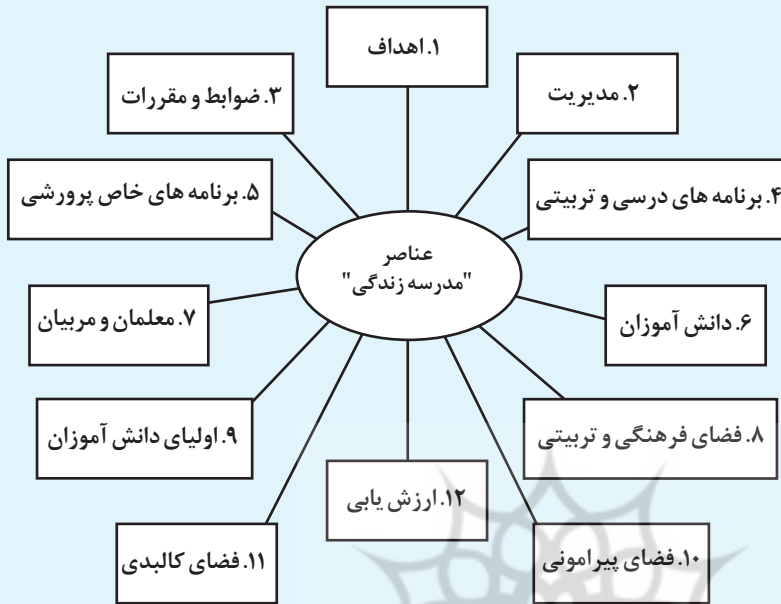
البته در فرهنگ قرآنی، دنیا غیر از زندگی دنیوی است. دنیا مرتبه‌ای از حیات و عرصه‌ای از زندگی است که انسان در آن از مواهب و نعمت‌های الهی برخوردار است و برای رسیدن به کمال و رشد، ناگزیر از استفاده از آن می‌باشد اما زندگی دنیوی، پست‌ترین مراتب حیات شمرده می‌شود که اگر چه مظاهر گذرا و سطحی از حیات در آن دیده می‌شود، ولی موجب غفلت از زندگی برتر و جاودانه می‌گردد و با سرگرمی‌های خود مانع رشد و تعالی انسان می‌شود: *"اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفریح بینکم و نکائر فی الاموال و الاولاد... و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور"*^۹: بدانید که حقیقت زندگی دنیوی باز یچه‌ای است و لهو و بیهودگی و آرایش و فخر فروشی و زیاده طلبی در دارایی و فرزندان... و زندگی دنیوی جز متاع فریب چیزی نیست. درک عمیق معنای زندگی و فلسفه حیات در منابع و مبانی اسلامی، پشتوانه نظری "مدرسه زندگی" را تعیین می‌کند و کارکرد تعلیم و تربیت را از آماده‌سازی فراگیران برای زندگی طبیعی و اجتماعی به افق‌های برتر و بالاتر ارتقا می‌دهد و علی‌رغم نگرش‌های سکولاریستی حاکم و جاری در اهداف سطحی تعلیم و تربیت، به نگرش توحیدی و آخرت‌گرایانه نزدیک می‌شود^{۱۰}.

مدرسه زندگی، به عنوان یک نظریه، رسالت فضای آموزشی و نهاد تربیتی را به فلسفه حیات از منظر اسلام مرتبط می‌سازد و بدون غفلت از نیازهای طبیعی و اجتماعی و با لحاظ ظرفیت خاص و مراحل رشد طبیعی متربیان، چشم‌اندازی متعالی از مدرسه را ترسیم می‌نماید. در این مدرسه، دستیابی به درک عمیق از حیات و فلسفه آن، خود مهم‌ترین هدفی که باید مدنظر باشد.

مدرسه زندگی اشاره شد - تعیین می گردد.

۲. مدیریت:

- در مدرسه زندگی، ارتباط مدیریت با مدرسه ارتباطی عاطفی و معنوی همراه با تعلق خاطر



تربیتی است و صرفاً در پیوندهای اداری و رسمی خلاصه نمی شود.

- مدیر مدرسه، رهبری تربیتی و آموزشی مدرسه را بر عهده دارد و این رهبری، تا حد ولایت تربیتی می تواند ارتقا یابد.

- مدیریت مدرسه، از جنس مدیریت تربیتی است نه مدیریت انتظامی، اجرایی، خدماتی، اداری و پشتیبانی، و نه حتی صرفاً مدیریت آموزشی.

- مدیر مدرسه، رهبری فکری و هدایت و کمک به ارتقا و رشد همه عناصر مدرسه را وظیفه خود می داند.

- مدیر مدرسه از برتری تربیتی، اخلاقی و علمی برخوردار است و بنابراین مقبولیت عمومی دارد.

- مدیر مدرسه دارای اختیارات کافی و حداکثری همراه با پاسخ گویی و مسئولیت متناسب با اختیارات می باشد.

- در مدرسه زندگی، مدیریت کلان مدرسه به صورت مدیریت مستقل هیأت امنایی و شورایی و در چارچوب ضوابط خاص می باشد.

۳. ضوابط و مقررات:

- مدرسه به عنوان واحد مستقل فرهنگی و تربیتی و آموزشی، ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی، خدماتی، انضباطی،... خود را در چارچوب ضوابط کلی و در مسیر تحقق اهداف خود تعیین می کند. بنابراین مدرسه خود پاسخ گوی برنامه ریزی ها و برون دادهای خود می باشد.

- مدرسه ضمن برخورداری کافی از پشتیبانی

عناصر از این عناصر، مهم تلقی می گردد و البته گام نخست برای دستیابی به "مدرسه زندگی"، ارتقای درک از مدرسه در دست اندرکاران و نیز در کل جامعه، متناسب با این عناصر است:

تفسیر زندگی به گونه ای که در نگرش امام امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) تبیین می شود که: فالموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاة فی موتکم قاهرین^۳: "مرگ شما در زندگی توأم با شکست است و زندگی شما در مرگ پیروزمندانه است"، در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان و آماده سازی آنان برای دفاع از ارزش های اصیل زندگی حقیقی نقش برجسته ای خواهد داشت.



بنابراین تفسیر زندگی در این نگرش، هرگز در زندگی طبیعی، دنیوی و محدود به زیست طبیعی انسان، منحصر نمی شود بلکه ضمن توجه به اقتضات، نیازها و توانمندی های لازم برای یک زندگی سالم، انسانی و شرافتمندانه، افق دید را به فراتر از زندگی طبیعی ارتقا می بخشد و تأمین و بهسازی حیات جاودان و معنوی را نیز در دایره اهداف مدرسه زندگی قرار می دهد.

در این نگاه، سبک زندگی مطلوب، نه سبک زندگی رایج و مصرف گرایانه، که سبک زندگی انسان های والا و الگوهای عینی تربیت الهی و توحیدی است، که: اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ^۴: پروردگارا! سبک زندگی مرا، سبک زندگی محمد (ص) و آل محمد (ص) قرار ده.

رسالت غایی نظام و تربیت در جامعه ای اسلامی، تحقق "مدرسه زندگی" با این مبنا نظری است.

چشم انداز مدرسه زندگی:

علایم و شاخص های حیاتی یک موجود زنده به سطح حیات آن بستگی دارد و هر چه سطح زندگی، برتر ترسیم شود، این علایم و شاخص ها افزون تر می گردد. اگر "مدرسه زندگی"، نهاد زنده و پویایی است که تحقق غایت هستی انسان را زمینه سازی می کند و بستر لازم را برای آمادگی مرتبی در جهت دستیابی به حیات طیبه رقم می زند، در این صورت عناصر مورد توجه در این مدرسه، بسیار فراتر از عناصری است که برای مدارس رایج در نظر گرفته می شود.

برای ترسیم ویژگی های مدرسه ی زندگی، ابتدا باید عناصر اصلی و محوری آن را تعیین کرد و سپس خصوصیات هر عنصر را بر شمرد. عناصر اصلی "مدرسه زندگی" در "۱۲ عنصر ذیل دسته بندی شده که در مدارس فعلی بسیاری از این عناصر اصلی مورد غفلت قرار گرفته و تنها چند

این عناصر اگر چه بعضاً برحسب اولویت رتبه یا زمانی ذکر شده ولی لزوماً این ترتیب برای همه عناصر معنی دار نیست.

۱. اهداف:

- مهم ترین عنصر در مدرسه زندگی، هدف مدرسه است که تنها در آماده کردن دانش آموزان برای زندگی طبیعی و اجتماعی، محدود نمی شود و به حیات طیبه کاملاً توجه داشته، همه عناصر و ابزارها را در آن مسیر تعریف و هدایت می کند.

- در مدرسه زندگی، اهداف مشخص و شفاف برای مدرسه و برای هر دوره زمانی تعیین می شود. البته این اهداف در چارچوب اهداف کلی نظام تعلیم و تربیت ترسیم می گردد ولی نیازها و شرایط و اولویت های خاص مدرسه، در تعیین این اهداف مؤثر است.

- اهداف مدرسه، قابل ارزش یابی، قابل تحقق و شناخته شده برای همه دست اندرکاران است.

- در آغاز هر سال تحصیلی اهداف جزئی (کیفی و کمی) مدرسه در جمع معلمان، خانواده ها و دانش آموزان تبیین و تکمیل و اصلاح می شود.

- همه عوامل مدرسه، در عین حال که عامل تحقق اهداف اند، خود نیز هدف می باشند. بدین معنی که در مدرسه زندگی، تنها رشد و ارتقای دانش آموزان هدف نیست بلکه رشد و تعالی همه دست اندرکاران نیز هدف شمرده می شود.

- در تعیین اهداف مدرسه، ارزش یابی ها و تجارب پیشین و نیز امکانات و محدودیت های مدرسه لحاظ می شود و حد مورد نظر از شایستگی های مورد انتظار و اهداف کلی - که در تعریف



مالی از دولت، اختیارات کافی را نیز در چارچوب تعریف شده، در تأمین منابع مالی و انسانی خود دارا می باشد.

- ضوابط و مقررات با مشورت طرف های ذی ربط یا ذی نفع و به گونه ای شفاف تعیین می شود.
- همه از ضوابط مربوط به خود آگاهی دارند.
- روح تربیتی بر ضوابط حاکم است.
- سهولت و سرعت در تعیین ضوابط رعایت می شود.

- همه عوامل مدرسه به خصوص معلمان و دانش آموزان، خود را در اجرای صحیح ضوابط مسئول و شریک می دانند.

۴. برنامه های درسی و تربیتی:

- برنامه های درسی و تربیتی مدرسه زندگی، ناظر به نیازهای عینی دانش آموزان و در جهت دستیابی آنان به مراتب مقدور از "حیات طیبه" است.

- در مدرسه زندگی برنامه های درسی و تربیتی، فکری محور، خلاق، نوآورانه، پژوهش محور و همراه با نشاط و جذابیت برای معلمان، مربیان و دانش آموزان است.

- رابطه مشخص و تعریف شده ای بین اهداف کلی و جزئی مدرسه با برنامه های درسی و تربیتی برقرار می باشد.

- مدرسه زندگی، خود در تولید و تدوین برنامه های درسی و تربیتی شریک و دخیل است و برنامه های تعیین شده به گونه ای انعطاف پذیر است که در چارچوب اهداف مصوب و روش های مؤثر بتواند نیازهای دانش آموزان را تأمین نماید.

- مدرسه زندگی خود در انتخاب مواد آموزشی و تربیتی به گونه ای روش مند نقش دارد و می تواند در بخشی از محتوای آموزشی، خود تولید کننده هم باشد، نه مصرف کننده صرف.

- نیازهای خاص دانش آموزان مدرسه، در برنامه ها قابل پیش بینی و تأمین است.

در این دیدگاه، مدرسه همچون خانواده، یک نهاد است و اساساً مصداق و تبلور عینی نهاد تعلیم و تربیت رسمی شمرده می شود. مدرسه، نه خانه دوم دانش آموزان، که خانواده دوم آنان است.

۵. برنامه های خاص پرورشی:

- در مدرسه زندگی، اگر چه اهداف تربیتی در همه برنامه ها و فعالیت های درسی و پرورشی جریان دارد، ولی برای سامان دهی و برنامه ریزی فعالیت های خاص پرورشی نیز سامان و تدابیر خاص وجود دارد.

- برنامه ها و فعالیت های پرورشی نه در حاشیه، که بخشی از برنامه رسمی و اصلی را

۷. مربیان و معلمان:

- در مدرسه زندگی معلمان و مربیان رهبری آموزشی و تربیتی دانش آموزان را بر عهده دارند.
- خود یادگیرنده و در مسیر خودسازی و رشد و تعالی مستمر قرار دارند.

- دانش آموزان را به عنوان فرزندان معنوی خود دوست دارند و به آنان عشق می ورزند.
- با اولیای دانش آموزان ارتباطی فعال و صمیمی دارند.

- تعلیم و تربیت را رسالت الهی خود و مدرسه را معبد و محیط مقدس می شمارند.
در برنامه ریزی های درسی و تربیتی حضور و مشارکت فعال دارند.

- با سایر مربیان و معلمان در فعالیت های خود مشورت می کنند.
- با سایر مربیان و معلمان در فعالیت های خود مشورت می کنند.

- از هرگونه نوآوری، مواد آموزشی و فناوری های جدید استقبال می کنند و آن را فرامی گیرند.

۸. فضای مدرسه زندگی، نمونه ای از جامعه اخلاقی است:

- همه اعضای مدرسه احترام و کمک به یکدیگر را وظیفه خود می دانند.

- مشورت و مشارکت در همه فعالیت های مدرسه حاکم است و نقادی و نقدپذیری روحیه ای رایج در مدرسه است.

- حقوق متقابل اعضای مدرسه رعایت می شود.
- همه خود را برای اظهارنظر و پرسش و پاسخ آزاد می دانند.

۹. خانواده (اولیای) دانش آموزان:

- در مدرسه زندگی، اولیای دانش آموزان خود را عضو مدرسه و همکار مربیان و معلمان می دانند.
- بخشی از اهداف مدرسه به گونه ای نظام مند از طریق اولیای دانش آموزان تحقق می یابد.
- اولیای دانش آموزان، حمایت و پشتیبانی از

تشکیل می دهد.

- این برنامه ها دانش آموزان را با محیط زندگی واقعی خود آشنا و آنان را برای ایفای نقش فعال در زندگی آینده خود آماده می سازد.

- آداب و مهارت های زندگی را در رفتار واقعی و طبیعی دانش آموزان شکل می دهد.
- اقامه نماز، انس با قرآن و پرورش روحیه انفاق و تعاون مورد توجه خاص قرار می گیرد.
[یتلوا علیهم آیاتہ ... / یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة]

- انجمن ها، کانون ها و تشکل های متنوع دانش آموزان بستر اصلی فعالیت های پرورشی است.

- خدمات مشاوره تربیتی و اخلاقی به گونه ای اثرگذار و گسترده در اختیار دانش آموزان است.
- برنامه های تأمین سلامت جسمی و روحی و نیز فعالیت های تربیت بدنی مهم شمرده می شود.

۶. دانش آموزان:

- در مدرسه زندگی، دانش آموزان خود را عنصر مؤثر و فعال مدرسه می دانند.

- حضور در مدرسه را قسمتی لذت بخش از زندگی خود می یابند.

- مشارکت و تلاش در امور مدرسه را وظیفه خود می شمارند.

- دانش آموزان مدرسه زندگی، خود یادگیرنده اند و از یادگیری و تلاش علمی و تربیتی لذت می برند.

- معلمان و مربیان را پدر معنوی خود می دانند و آنان را دوست دارند.

- خلاق، پژوهنده، نقاد و مولد دانش اند.
- عنصر فعال و مسئولیت پذیر در تشکل ها و فعالیت های گروهی می باشند.

- اصلاح و ارتقای دایمی محیط مدرسه را تکلیف خود می دانند.

- در دب مدرسه را همیشه به روی خود باز می بینند و آن را خانه فرهنگی و علمی خود می شناسند.

فهمیده شود و در چارچوب اهداف کلی، باز تعریف دقیقی از مدرسه زندگی برای هر محیط و مرکز آموزشی به عمل آید. آنچه در تحقق مدرسه زندگی بیش از هر عاملی می تواند نقش اساسی داشته باشد، برانگیخته شدن انگیزه های تربیتی و الهی و احیای هویت اصلی تعلیم و تربیت در مجموعه آموزش و پرورش است. فراهم نبودن شرایط در همه واحدهای آموزشی، نباید مانع تحقق نسبی اهداف در واحدها و مراکز توانمند باشد و روزمرگی های آموزش و پرورش، نباید مانع ترسیم چشم اندازهای روشن برای تعالی نظام تعلیم و تربیت گردد.

- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، در صورتی منشأ تحول مطلوب در محتوا و نظام برنامه ریزی درسی خواهد شد که بتواند شاخص های مدرسه زندگی و مبانی ارزشی آن را در عناصر برنامه درسی مورد ملاحظه قرار دهد. این که در برنامه درسی ملی تا چه حدی این رویکرد محقق شود، بیش از هر چیز به هم سوئی و باور مشترک دست اندکاران و زمینه سازی و همراهی برای چرخش های اساسی مورد نیاز بستگی دارد. البته سرمایه عظیم انسانی و معنوی آموزش و پرورش و حمایت و مطالبه رهبری نظام برای تحول بنیادین و ارتقای کارآمدی دستگاه تعلیم و تربیت، آینده روشنی را برای تحقق "مدرسه زندگی" ترسیم می نماید، مدرسه ای که بتواند زمینه تربیت نسلی متفکر، مؤمن، دانا، فعال، کارآمد و دارای ملکات فاضله اخلاقی را برای شکل گیری مدینه فاضله مهدوی فراهم سازد.

ان شاء الله.

پی نوشت ها:

- ۱- ایتسمام، ابوحی (۱۳۸۵). مدیریت مدرسه محور، گروهی از مترجمان، انتشارات مدرسه، تهران.
- ۲- در برابر SBM که مخفف School-based management است.
- ۳- همان منبع، ص ۲۷-۲۸.
- ۴- ن. زابار (۱۳۸۱). برنامه ریزی مدرسه محور، احمد رضا نصر افغانی، در مجموعه مقالات: محمود مهر محمدی، برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، مشهد، به نشر.
- ۵- سوره بقره، آیه ۲۵۵.
- ۶- سوره اسراء، آیه ۴۴.
- ۷- مثنوی معنوی، دفتر سوم.
- ۸- سوره انفال، آیه ۲۴.
- ۹- مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار با فرهنگیان، ۲/۱۲/۸۷ شیراز.
- ۱۰- سوره نحل، آیه ۹۷.
- ۱۱- سوره حدید، آیه ۲۰.
- ۱۲- برای آگاهی بیشتر تبرک: حسنعلی علی اکبریان (۱۳۸۰). ارزش دنیا، کانون اندیشه جوان و نیز عبدالله جمشیدی (۱۳۸۲). نگاهی قرآنی، حیات معنوی، کانون اندیشه جوان.
- ۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۵۱.
- ۱۴- زیارت عاشورا، مفاتیح الجنان.

برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون برنامه درسی ملی، می توانید به نشانی الکترونیکی ذیل مراجعه یا با پست الکترونیکی مکاتبه فرمایید:
www.Darsiran.ir
info@Darsiran.ir

می گیرد.

- دانش آموزان آن را خانه خود می دانند.

۱۲. ارزش یابی:

- در مدرسه زندگی، همه عناصر با معیارهای جامع، شفاف، منصفانه و متناسب با اهداف کلی تعلیم و تربیت و برای ارتقای وضع موجود، مورد ارزش یابی قرار می گیرند.
- همه عناصر انسانی مدرسه، در ارزش یابی به گونه ای روشمند و تعریف شده، دخالت دارند.
- نتایج ارزش یابی به بررسی و بحث و تحلیل نهاده می شوند.
- هرکسی با شرایط خودش سنجیده می شود.
- حداقل ها و حداکثرها برای طیف های مختلف، متفاوت است.
- نتایج ارزش یابی برای اصلاح و بهبود وضعیت مورد استفاده قرار می گیرد.
- ارزش یابی، نه برای مؤاخذه و کنترل که برای تعالی و اصلاح است.
- اهداف جزئی تعیین شده، در پایان هر دوره به دقت ارزش یابی شده و برای هدف گذاری دوره بعد مورد استفاده قرار می گیرد.

چند نکته پایانی:

- چشم انداز مدرسه زندگی با توجه به پشتوانه نظری آن که زمینه سازی برای تحقق مراتب متعالی حیات طیبه را هدف غایی مدرسه می داند، باید در ساختار کلان دستگاه تعلیم و تربیت به رسمیت شناخته شود و در برنامه ریزی های کلان جایگاه و شأن خود را باز یابد. به نظر می رسد تحول بنیادین در آموزش و پرورش بدون توجه به نقش و شأن مدرسه با رویکردی که در نظریه مدرسه زندگی مطرح شد، نمی تواند تحقق یابد، از این رو مسئولان ارشد و سیاست گذاران و برنامه ریزان و کارشناسان ستادی و صفی آموزش و پرورش باید این امر را در یابند و به لوازم آن پایبند باشند.
- گام برداشتن به سوی تحقق مدرسه زندگی، مستلزم به کارگیری توانمندترین و نخبه ترین نیروهای آموزش و پرورش در منصب و جایگاه مدیریت مدرسه است، حال آن که به نظر می رسد در ساز و کارهای کنونی آموزش و پرورش شرایط لازم برای جذب و به کارگیری نیروهای توانمند، نخبه و متعهد برای مدیریت واحدهای آموزشی فراهم نیست. باید کاری کرد که بهترین و برجسته ترین نیروهای آموزش و پرورش مدیریت مدرسه را بپذیرند و این، بدون رها سازی دستگاه تعلیم و تربیت از حاکمیت دیوان سالاری آموزشی و تربیتی و نجات مراکز آموزشی از اقتدار اداری و ستادی ممکن نخواهد شد. تا وقتی ستادهای ملی و استانی و منطقه ای صرفاً با تکیه بر جایگاه های حقوقی دستگاه تعلیم و تربیت، خود را بالاترین مرجع ذیصلاح و همه کاره مدارس بدانند، نمی توان به کارکرد مطلوب مدرسه دست یافت.
- شاخص های "مدرسه زندگی"، برای هر مدرسه ای و متناسب با شرایط و امکانات آن، می تواند به گونه ای جزئی تر و مصداقی تر تعیین شود. مهم آن است که اهداف متعالی تربیت دینی در راستای زندگی بخشیدن به متربیان به خوبی

مدرسه را همچون رسیدگی به خانواده خود تلقی می کنند.

- در مدیریت و فعالیت های مدرسه، مشارکت فعال دارند.
- در برنامه های درسی و تربیتی، مشارکت و حضور فعال دارند.
- مدرسه را نه فقط مدرسه فرزندشان، که مدرسه خود و مرکز رشد و ارتقای علمی و اخلاقی خود نیز می دانند.



۱۰. فضای پیرامونی:

- مدرسه زندگی، نهادهای پویا و مرتبط با محیط واقعی زندگی در منطقه و محله خود به شمار می آید.
- مرکزی فعال و تعامل با محیط پیرامونی خود می باشد.
- با نهادهای و مراکز فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی، اداری، صنعتی، تجاری، انتظامی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و... پیرامون خود روابط و همکاری متقابل دارد و از همه آنان برای تربیت دانش آموزان استفاده می کند.
- برای محیط پیرامون خود آشناست و مورد احترام و محبت محله و منطقه می باشد.
- علاوه بر نقش رسمی خود به عنوان مرکز فرهنگی فعال منطقه شناخته می شود و فعالیت می کند.

۱۱. فضای کالبدی:

- محیط درونی و فیزیکی مدرسه زندگی، منظم، پاکیزه و با نشاط است.
- همه اعضای مدرسه و به خصوص دانش آموزان در اداره و بهبود وضعیت آن نقش دارند.
- توزیع فضاهای آموزشی، به گونه ای جذاب و مؤثر و با رعایت شیوه های نوین آموزشی سامان دهی شده است.
- دارای مکان مناسب برای مطالعه، پژوهش و استراحت معلمان و دانش آموزان (حتی المقدور) می باشد.
- تعطیل ناپذیر است.
- مورد بهره برداری بهینه و حداکثری است و با رعایت شأن مدرسه، در ساعات غیررسمی نیز برای فعالیت های مختلف مورد بهره برداری قرار می گیرد.